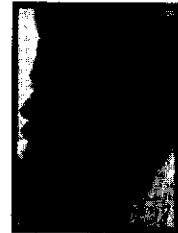


توتنی کدزابر

کوچ و موسیقی در ایران



پژوهشگر موسیقی و فرهنگ، هوشنگ جاوید

میان نرفته، نهادی، ارگانی و یا مؤسسه‌ی فرهنگی‌یی با یک سرمایه‌گذاری صحیح به این مهم بپردازد و به دنبال پرسش‌هایی چون نمونه‌ی زیر برود: چرا و چگونه است که از ایران تا مجارستان و لهستان و یونان موسیقی پنتاتونیک رواج دارد و در بخش سازهای بادی از سازهای ایرانی بهره می‌برد و در موسیقی رومانی «همایون» رواج دارد؟

موسیقی دسته‌ی الف: این شکل از موسیقی کوچ بهره از طبقه‌ی شبانان می‌برد که تا عصر ساسانی جزو مهمترین طبقات اجتماعی ایران بودند و بر اساس نوشته‌های نولد که در یانس صفحه‌ی ۱۵۱، روزی از نوروز برای بار عام یافتن و تقدیم هدایا به آن اختصاص داشت، به این طبقه رُموم گفته می‌شد که رُموم پارس را در عهد ساسانی به پنج کوره یا ولایت کوچ تقسیم کرده‌اند و آنطور که، گی لسترنج می‌نویسد، نام آن‌ها عبارت بوده از: اردشیر خره در آستان فارس فعلی، «شاپور خره» در شهر شاپور، «قباد خره» به مرکزیت ارجان (ارژن فعلی)، «اصطغی» و داراب جرد (گرد) (جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی، ترجمه‌ی محمود عرفان، ص ۸ و ۲۶۷، سال ۱۳۶۴) که بنا به نوشته‌ی مسالک الممالک رُموم پنجگانه‌ی عهد ساسانی و پس از اسلام بدین شکل بوده‌اند، رُم جیلویه (گیلویه)، رُم احمدین الیث، رُم حسین بن صالح، رُم شهریار و رُم احمدین الحسن ناحیه‌ی سکونت این رُموم که بنام کردان پارس خوانده می‌شدند محدوده‌ی خوزستان، اصفهان، چهاردانگه، فیروزآباد و آباد، کوهمره، سمیرم، کازرون، قیروکارزین، لارستان، تا

ارتباط کوچ و موسیقی را در پهنه‌ی ایران فرهنگی باستان و سرزمین ایران فعلی می‌توان به چهار دسته تقسیم و تعریف کرد:

الف - موسیقی کوچ کنندگان داخلی که از ابتدای سکونت در ایران فعلی از حدود مشخص منطقه‌ی بیلاق و قشلاق خود خارج نشده‌اند، بلکه پذیرای طوایف دیگری که به منطقه‌ی آنان آمده و یا در مسیرشان یکجانشین شده‌اند، نیز، بوده‌اند.

ب - موسیقی کوچ داده‌شده‌گان داخلی که در اثر تغییر حکومت‌ها، تغییر سیاست‌های اجتماعی دولت‌ها و یا ناسازگاری با حکومت‌ها از جایی به جای دیگر کوچ داده شده و به همزیستی با طوایف و ساکنین منطقه‌ی جدید عادت نموده‌اند.

ج - موسیقی کوچ کنندگانی که از سرزمین‌های دیگر به ایران وارد شده و با همه‌ی بیگانه بودنشان بر اثر مرور زمان و طی سالیان دراز به نوعی همزیستی با ایرانیان رسیده و پذیره‌ی ایرانی گردیده‌اند.

د - موسیقی کوچ کنندگانی که از ایران رفته‌اند، این دسته از کوچندگان که از اصالت هنری خاص و دست نخورده‌تری برخوردار بوده‌اند، بر اثر نپذیرفتن شرایط سیاسی، دینی، اجتماعی و تضاد با حاکمان و حکومت‌ها و یا دست‌یابی به وضعیت بهتر اقتصادی به سرزمین‌هایی چون مراکش (اندلس)، هند، ترکیه، رومانی، یوگسلاوی، مجارستان، گرجستان و حوزه‌ی روم باستان کوچ و بر سر راه کوچ خود آثار و تأثیرات بسزائی به لحاظ هنر موسیقایی به جا نهاده‌اند که پرداختن به آن کاری بزرگ خواهد بود و امید دارم که تا فرهنگ‌های موسیقایی باقیمانده در این گستره از



نمونه‌ی شعر و گویش گزی از زبان درویش عباس گزی:

وَالله نَدُونان که ژر این دانه چو دامو
 کف تاده‌ی بَسْمَل بی‌بی یَهژ، کام به کامو
 دَر می‌کده‌ها مَسْتی و آشوبو، نَزو نان
 از گردش چُشهای تو یا گردش جامو
 زاهد چو اما گرره پِشو، بژبه و گَرنه
 هر آش خیالی که پِشو دونه که خامو
 نَدونان = نمی دانم

ژر = زیر
 کف تاده = که افتاده
 گر ره پِشو = اگر راه برود
 بژبه = برود
 پِشو = بزد
 کونیه = بدان

موسیقی دسته‌ی ببا: این نوع موسیقی مربوط است به اقوام کورتی، لولوبی، سارانگی، اعراب سامی و شبانکارگان طبرستان و قهستان (جنوب خراسان فعلی) که در طول تاریخ ضمن اضافه شدن اقوامی از ترک، ترکمن و بربرهای چین خوارزم و ترکستان که در اصل در جای دیگری از ایران باستان ساکن بوده‌اند و به مرور زمان در اثر مسائل مختلف به‌جای دیگری از کشور کوچ داده شده‌اند و در اثر سکونت همزیستی در منطقه‌ی جدید ضمن حفظ برخی از نفقات موسیقایی خود یا تأثیراتی بر موسیقی منطقه از طریق نوای سازها و نوع آوازهایشان نهاده‌اند و یا تأثیراتی پذیرفته‌اند و امروزه به همین دلیل تشخیص اصالت

استان هرمزگان فعلی، شمال کرمان تا زنجان و آبرقو تانسا را دربرداشته است.

جان لمبرت در مقاله‌ای تحت عنوان منشأ پیدایش کردها در ایران پیش از اسلام چنین اظهار می‌کند که: گرچه احتمال اینکه کردهای فارس به عشایر کردستان مربوط باشند بیشتر به حقیقت نزدیک است تا آن‌ها را گروه‌های مجزائی بدانیم و تصور کنیم که عشایر فارس کردهای واقعی نیستند، اثبات این مسئله ناممکن است که عشایر فارس (به جز قشقائی‌ها) کردهای واقعی نبوده‌اند، زیرا احتمال اینکه آنها کردهای واقعی بوده باشند نیز وجود دارد.

(ذخائر انقلاب، شماره‌ی ۵، ۱۳۶۷) حضور گویش کردی در منطقه‌ی کوهمره به اثبات رسیده است و در منطقه‌ی گزوسین، ناحیه‌ی برخوردار نیز گویش خاصی از کردی کهن وجود دارد که آخرین ادیب و شاعر و نام‌آور منطقه که دستی توانا در موسیقی آوازی عرفانی داشته درویش عباس گزی بوده که نوه‌ی ایشان دیوان اشعار این عارف گرانقدر را به اینجانب هدیه داد، موسیقی این دسته هنوز به اشکال اولیه‌ی خود متعهد است، محدودیت‌ساز از نظر تنوع و گستردگی آوازاها از نشانه‌های بارز آن است.

ضمن آنکه باید یادآور شوم که استرابون در ایالت فارس از قبایل کورتی نام می‌برد که همین کردان پارس می‌باشند. این دسته از کوچندگان پارسی به احتمال فراوان با ایلات دائویی، ماردویی، دروسکوتی و ساگارتیویی دوره‌ی هخامنشیان که هرودت از آن نام می‌برد ریشه و نسبتی خواهند داشت.



موسیقی دسته‌ی ج: تاریخ این دسته از موسیقی‌ها به ورود نخستین قبایل مهاجر عرب که با سپاه اسلام به ایران می‌آمدند می‌رسد. لمبتون در تاریخ ایلات ایران، از حضور بیست هزار طایفه‌ی عرب در بیابان جوز جانان خبر می‌دهد (ایلات و عشایر، به ترجمه‌ی علی تبریزی، مجموعه‌ی کتاب آگاه، ۱۳۶۲) و می‌داندیم که در حدود ۵۰۰ هجری قمری بین صد تا چهارصد خانوار کرد از جبل‌السماق به ایران وارد شدند و وارد منطقه‌ی کردان پارس گردیدند که بعدها نام «لر بزرگ» و «لر کوچک» یافت، طوایف دیگری از جبل‌السماق در اوائل قرن هفتم هجری قمری و در زمان حکومت اتابک هزارسف به این منطقه وارد شدند که تأثیرات بسیاری بر فرهنگ و هنر منطقه نهادند به همراه این عده، طوایف عربی از عقیلی و هاشمی نیز به منطقه وارد شدند که بیگمان موسیقی خاصی را نیز در منطقه از نوع موسیقی ابتدای افریقای فعلی در منطقه رایج نموده‌اند، اینان پس از مدتی با همزیستی و نزدیکی با اقوام از پیش در منطقه، آنقدر قوی می‌شوند که به قوم «شول» که در سرزمین شولستان مناطقی از اصفهان و چهارمحال فعلی حمله برده و آنان را سرکوب کرده و می‌رانند، به همین سبب

در این دسته از موسیقی بسیار سخت است چون اکثر اینان هم یکجانشین شده‌اند و هم همزیستی نسلی با اقوام دیگر یافته‌اند و لازم به ایجاد بستری مناسب از سوی دستگاههای فرهنگی کشور است تا بتوان سره را از ناسره تشخیص داد علت چند عقیده‌گی درباره‌ی برخی از موسیقی‌های مناطق ایران امروز به همین سبب است، چون ابعاد و ریشه‌های تاریخی کوچک و سکنی در بررسی‌ها انجام نمی‌شود.

موسیقی کرمانج‌های خلخال، هشستپرتوالش، تالش، زاغمرز مازندران، میخ‌ساز مازندران، کرد کوی گلستان و شمال خراسان و موسیقی ترک‌های نیشابور، شمال خراسان، رامیان و مینو دشت گلستان، استان مرکزی (خلج و اطراف تفرش) و بخشی از استان کردستان (قروه، بیجار، گروس)، گرجی‌های مازندران و اصفهان (افوس)، استان مرکزی، عرب‌های خراسان و مازندران و کرمان و کرمانج‌های قرائی کرمان، از این دسته‌اند که پژوهش‌هایی اندک به صورت تک‌نگاری بر روی آن صورت پذیرفته و اکثر آن‌ها خالی از اشکال نمی‌باشند، ضمن آنکه این موسیقی از تنوع ساز و آواز غنی و گسترده‌ای برخوردار است و دستگاههای فرهنگی ما به آن بی‌توجه و کم‌التفات هستند.

اولین جشنواره‌ی موسیقی اقوام و عشایر ایران (کوج) - خرم‌آباد - مرکز موسیقی حوزه شری - ۱۳۸۱



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مرکز ملی باستان‌شناسی و موزه ملی ایران

اولین جشنواره موسیقی عشایر و اقوام



مربوط به کوچ ایرانیان از ایران به سایر سرزمین‌های همجوار و یا دوردست است که از عهد اشکانیان آغاز می‌شود و تا پس از اسلام و شکل‌گیری مجدد دولت‌های جدید پس از اسلام در ایران نیز ادامه می‌یابد، این کوچ‌ها تأثیرات بسیاری بر نواحی مسیر کوچ و همچنین مناطق سکونت ایرانیان در سرزمین‌های دیگر نهاده است، یک عده حتی در عهد هخامنشیان و عده‌ی کثیرتری در زمان زوال سلسله‌ی ساسانی و به قدرت رسیدن اسلام، به هند قدیم مهاجرت کردند، اینوس ترانت سف معتقد است که زمان این مهاجرت میانه‌های سده‌ی هشتم میلادی بوده است و جواهر لعل نهرو در کتاب **Discovery of india** سران صحنه نهاده است، سفر بررسی سایکس در سفرنامه‌اش نوشته که مهاجران زرتشتی ایرانی دریادی امر به ولایت قهستان رفتند و پس از یک قرن به هرمز کوچ کرده و پانزده سال در هرمز ماندند و بالاخره روانه‌ی هندوستان شدند. (سفرنامه‌ی سایکس، ترجمه‌ی حسین سادات نوری، ص ۳۱۴ تا ۳۱۷) عده‌ی دیگری از این کوچندگان بر اثر شواهدی چون پیدا شدن سنگ قبر دختر یکی از بزرگان ایران در ایالت سیان که به تاریخ ۲۴۰ یزدگردی منقش است به چین رفتند.

در طول تاریخ بعد از روی کار آمدن دولت‌های پس از اسلام در ایران، کوچندگان دیگری، چه مسلمان و چه زرتشتی و چه ارمنی راهی سرزمین‌های دور شدند که مسلمانان ایرانی را شیعیان تشکیل می‌دادند، ایقان راهی سرزمین‌های آفریقای و هند قدیم شدند، بعنوان نمونه در عهد تیمور هفتصد سید علوی به رهبری «میر سید علی همدانی» به دلیل قلع و قمع‌های تیمور از سادات علوی به صوفیان کشمیر پناه بردند و تا در میانه‌ی سده‌ی پنجم هجری گروهی

است که هرگاه آوازهای شلیل (شول ایل) را شنیده‌ام به خود نهیب زده‌ام که این می‌تواند سوگ حماسه‌های آن قوم باشد و می‌تواند به صورت (شول ایل) نوشته شود، بخصوص در آوازهای شلیل هر منطقه می‌توان اوصاف و تعاریفی را شنید که حکایت داغ غریبی و ستم از نواهای آوازی آن می‌آید:

شو دراز و مه پلن، دل نیگیره جا، هر که من جامون نشسن، دلمس چی دلم با

شبی بلند و ماهتاب، دلم قرار نمی‌گیرد، هر کس که بین ما فاصله انداخت، دلش چون دل من (بی‌قرار) شود پس از اعراب، آمدن اقوام اوغوز به ایران آغاز شد، مغول‌ها، ترکان خاقانی از ماورالنهر و ترکان غزنوی از شرق ایران وارد شدند، سلجوقیان قبایل چادر نشین و صحراگرد ترکی بودند که از نواحی قرقیزستان واقع در آسیای مرکزی به ایران آن سامان آمدند و به مرور زمان تا مرزهای عربستان و اروپای شرقی را زیر فرمان بردند، پس از آنان طوایفی از ترکان غور که از کوچندگان افغانستان بودند به نام خوارزمشاهیان بر ایران حاکم شدند.

در این فاصله در اثر فشارهای ترک‌های قبچاق و مغول‌های بودائی (مانگیت‌ها) ترکمن‌های مانقشلاق در دسته‌های جداگانه به ایران وارد شدند، یورش مغول‌ها نه تنها بازمانده‌های تاراج پیشینیان مهاجم را از بین برد، بلکه موجب شکل‌یابی اقوام جدیدی در کوچ‌نشینی ایران شد.

موسیقی لشتقایی‌ها، گرایلی‌ها، وفسی‌های اراک، ترکمن‌های ایران از این نظر بسیار مهم و قابل پژوهش است و هیچ تأمل دقیق و درستی تاکنون بر آن نشده، ضمن آنکه ایل‌هایی چون عرب کوهی‌های ایران نیز در این دسته جای می‌گیرد.

موسیقی دسته‌ی د: این دسته از موسیقی

از شیعیان شیرازی به
 فریب مهاجرت کردند
 و کوچ دیگری در
 دهه‌ی ۱۱۵۰ هجری
 از وحشت نادرشاه
 به کشورهای دیگر
 صورت گرفت و یا در
 عهد صفویان که ده
 هزار مسلمان از فارس
 به دربار عادل‌شاه در
 هند پناه بردند که از
 میان آنان نخبگانی
 به حشمت و جاه
 رسیدند که می‌توان
 به مصطفی خان
 اردستانی، شاه بوترباب

شیرازی، فضل‌الله شیرازی، حکیم عین‌الملک
 شیرازی، مرتضی خان انجو و ابوالقاسم انجو که از
 نیاکان استاد گرانقدر مرحوم سید ابوالقاسم انجوی
 شیرازی بنیادگذار مرکز فرهنگ مردم در ایران بوده‌اند،
 اشاره نمود.

این کوچندگان در موقعیت‌های خاص و
 زمان‌های مختلف کانون انقلاب‌های ملی و مذهبی
 بوده‌اند، چونان قیام کوچندگان شیعه به رهبری
 میرزا یحیی شبان که به دست قاورد سرکوب شد، یا
 جنبش طوایف کوچنده‌ی کرمان که قاورد سلجوقی
 و ایلک چاولی آنرا نابود ساختند، پدید آمدن اتحاد
 طوایف کلات و رادکان در خراسان که به سرکردگی
 قزاق‌ها یحیی کرابی منجر به نابودی طفا تیمورخان
 شد و یا اتحاد طوایف قزلباش در عهد صفوی که به
 دلیل ستیز با سلاطین سنی مذهب عثمانی از آسیای
 صغیره به آذربایجان کوچیده و به تشیع گرویدند، پدید
 آمدن جنبش حروفیه در لرستان به رهبری فضل‌الله
 استرآبادی که تیمور آنرا نابود کرد و یا اتحاد پسران
 فضل‌الله با طریقه‌ی اهل حق در لرستان که در زمان
 صفویه با فرقه‌ی اسماعیلی باطنی سید محمد مشعشع
 توسعه‌ی چشمگیری می‌یابد و بسیاری از جنبش‌های
 سلحشوری از این دست چه به صورت کوچک
 و منطقه‌ای و چه به صورت گسترده و فراگیر در طول
 تاریخ از سوی کوچندگان باعث گردیده تا آنچه که از
 موسیقی طوایف کوچ‌رو در ایران کنونی می‌شنویم در
 سه شاخه محکم و پریمان باشد

۱- حماسه‌سرایی و سوگ حماسه‌خوانی

۲- فراق و رنج و فریاد

۳- توسل و اعتقاد و امید به آینده

و چون موسیقی کوچ تحت تأثیر نظام خاص
 باورمدارانه‌ی دینی - نژادی حاکم بر آن بوده،
 می‌توان گفت که به آیین است و همین امر باعث
 گردیده تا از رموز خاصی نیز بهره‌مند شود، به مقام‌ها
 و نواها و نوبت‌هایی چون سحرناز، سحرآوازی، سحره،
 سحری، شترناز، گوسفند دُخان، چپونی حال فریاد،
 زنگل دار، بزران، آت چاپان، آت چپر، گدن دارغا (شتر
 رفتن یا کاروانی)، سه‌تنگی هه‌واران (سنگ کوچ)،
 کهنه هه‌واران، سوار سوار، سوارو و بسیاری از این
 دست آوها و نواها گوش فرا دهید، خواهید دانست
 که یک کوچنده از دل تاریخ حرف می‌زند جاییکه ما
 نبوده‌ایم، اما می‌توانیم بشناسیمش آنهم در قرنی که
 تئوری شتاب فزاینده و حرکت به شیوه‌ی اخباریگری
 به فرهنگ ما لطمات فراوانی زده و می‌زند و مسئولان
 دست روی دست گذاشته‌اند، عصری که علامه اقبال
 لاهوری آنرا اینگونه تعریف کرد و رفت:

عهد حاضر فتنه‌ها زیر سر است
 طبع ناپروای او آفت گر است

بزم اقوام کهن بر هم از او
 شاخسار زندگی بی‌غم از او

جلو‌اش ما را ز ما بیگانه کرد
 ساز ما را از نوا بیگانه کرد
 از دل ما آتش دیرینه برد
 نور و نار لاله از سینه برد